

دعای روز هجدهم

اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوَّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ
أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ يَنْوِّرُكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ:

خداوندا مرا در این روز برای برکات سحرها بیدار و متنبه ساز و دلم را به
روشنی انوار سحر منور گردان و تمام اعضاء و جوارحم را برای آثار و برکات
این روز مسخر فرما به حق نور جمال خود، ای روشنی بخش دل های عارفان.

ترجمه منظوم دعا

ای خدا در این مه خوش رنگ و بو	کن مرا آگاه احسان های او
کن مرا بیدار بهر درک فیض	تا بیابم خیر افعال نکو
ز آن فیوضاتی که در وقت سحر	می شود نازل به مردم مو به مو
هم نما روشن دل تاریک من	همچو نور آفتاب خوب رو
عمده حاجات من نور دل است	بهتر از این چیست ای عارف بگو
ذره ای از نور خود یا ذالجلال	قطره سان میریز اندر این سبو
هم فراگیر ای خدا اعضاء من	می کشان سوی صیام نیک خو
هم موفق کن مرا در هر زمان	تا شوم من تابع آثار او
آنچه می باشد مناسب اندر آن	من به جای آرم نمایم جستجو
ای ز تو روشن قلوب عارفین	نور بخش چشم دل های نکو

فقره اول دعا: بیداری در سحر

اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ:

خداوندا مرا در این روز برای برکات سحرها بیدار نما.

در دعای این روز از خداوند می خواهیم ما را در سحرهای این ماه از خواب غفلت
بیدار سازد تا بتوانیم از فیوضات و برکات آن بهره مند گردیم و حتی اگر به دلایل
شرعی روزه هم نمی گیریم، هنگام سحر بیدار شویم و دعا کنیم و از برکات سحر بهره
ببریم.

از خداوند در این روز خواستاریم که ما را از خواب غفلت بیدار ساخته و مشمول این آیه شریفه قرار دهد:

«وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۱

[تقوایندگان] صابران و راست‌گویان و فرمان‌برداران و انفاق‌کنندگان و استغفارکنندگان در سحرگاهانند. تا بتوانیم به درجات عالی معنوی دست یابیم... .

سحرخیزی چنان پربرکت است که انسان به واسطه استغفار در سحر به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام مشمول درود خداوند و فرشتگان او می‌شود.^۲

شب‌زنده‌داران و مردان الهی و عارفان و سالکان شب‌زنده‌دار، این راز و نیاز شبانه و عبادت عارفانه را از امام‌العارفین، امیرالمؤمنان حضرت علی علیه السلام الهام گرفته‌اند. از آنجا که امام درباره این‌گونه انسان‌های تشنه عبادت و بندگی می‌فرماید:

«خوشبخت و سعادت‌مند آن‌که فرائض پروردگار خویش را انجام دهد، رنج‌ها را مانند سنگ آسیا خرد کند. شب هنگام از خواب دوری گزیند، آن‌گاه که سپاه خواب حمله می‌آورد، زمین را فرش و دست خود را بالش قرار می‌دهد!

در زمره گروهی که بیم روز بازگشت، خواب از چشمانشان ربوده و پهلوهایشان جا خالی کرده است و لب‌هایشان به ذکر پروردگارشان در زمزمه است، ابرهای گناهان بر اثر استغفار مُدام آنان برطرف شده است.

آنانند حزب خدا، همانا تنها آنان رستگاراند».^۳

پس باید در نظر داشت که برای راز و نیاز و مناجات با پروردگار متعال و گفتگوی عاشقانه با او داشتن، زمانی بهتر و مناسب‌تر از شب هنگام نیست. آن هنگام که غافلان و بی‌خبران از عالم معنا در بسترها خفته و آرامشی خاص برای بیداردلان و عاشقان حق فراهم ساخته‌اند.

غزل‌سرای بیدار دل، حافظ شیرازی چنین می‌سراید:

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیم شبی رفع صد بلا بکند

ز مُلک تا ملکوتش حجاب بردارند

هر آن‌که خدمت جام جهان نما بکند

۱. آل عمران: ۱۷.

۲. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، ص ۳۷.

۳. نهج البلاغه؛ نامه ۴۵.

حضرت علی علیه السلام با آن شناخت و معرفتی که به خدای بزرگ دارد و آن دلی به پهنای آسمان‌ها برای بندگی و پرستش دارد، حال و وصف پارسایان و عشاق شب را چنین بازگو می‌کند:

«شب‌ها پاهای خود را برای عبادت جفت می‌کنند، آیات قرآن را به آرامی شمرده‌شمرده تلاوت می‌نمایند، با زمزمه آن آیات و دقت در معنی آنها، غمی عارفانه در دل خود ایجاد می‌کنند و دوی دردهای خویش را بدین وسیله ظاهر می‌سازند. هرچه از زبان قرآن می‌شنوند، مثل این است که به چشم می‌بینند، هرگاه به آیه‌ای از آیات رحمت می‌رسند، بدان طمع می‌بندند و قلب‌شان از شوق لبریز می‌گردد و چنین می‌نماید که نصب‌العین آنها است و چون به آیه‌ای از آیات قهر و غضب می‌رسند، بدان گوش فرا می‌دهند و مانند این است که آهنگ بالا و پایین‌رفتن شعله‌های جهنم به گوش‌شان می‌رسد، کمرها را به عبادت خم کرده، پیشانی‌ها و کف دست‌ها و زانوها و سرانگشت پاها به خاک می‌سایند و از خداوند آزادی خویش را می‌طلبند. همین‌ها که چنین شب‌زنده‌داری می‌کنند و تا این حد روحشان به دنیای دیگر پیوسته است، روزها مردانی هستند اجتماعی، بردبار، نیک و پارسا»^۱.

آری آنان که در دست‌یابی به کمالات معنوی و درجات عالی نزد پروردگار کامیاب شده و بدان دست یافته‌اند، رمز موفقیت خویش را همان راز و نیاز و گفتگوهای شبانه خود با پروردگار متعال می‌دانند.

در روایتی آمده است که لقمان علیه السلام در سفارشی به فرزند خود فرمود: «ای فرزندم! مبادا خروس از تو زرنگ‌تر باشد، هنگام سحر که تو در خوابی او برمی‌خیزد و آمرزش می‌طلبد»^۲.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، آن حضرت فرمود: ای جبرئیل، مرا موعظه کن. جبرئیل عرض کرد:

«يَا مُحَمَّدَ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ، وَأَحْبِبْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ وَأَعْلَمْ إِنَّ شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَوَتُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزَّةُ كَفَّهُ عَنْ إِعْرَاضِ النَّاسِ»^۳

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۳.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۸، ص ۴۶۶.

۳. وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۲۶۹.

ای محمد! هرگونه که می خواهی زندگی کن؛ ولی بدان که می میری. هر گونه که می خواهی دوست مدار؛ ولی بدان پایان آن جدایی است و هرگونه که می خواهی عمل کن؛ ولی بدان برای کردارهایت جزایی است؛ ولی بدان و به خاطر بسپار که شرف هر کس به سحرخیزی و بی نیازی او از مردم است.

چون خیانت برادران یوسف علیه السلام آشکار شد، آنها خود را روی دست و پای یعقوب انداختند و گفتند: ای پدر! برای ما از پروردگار آمرزش بخواه که ما گنهکاریم. یعقوب علیه السلام گفت: «به زودی برایتان از پروردگار آمرزش می جویم که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است. در تفسیر منهج می نویسد: زمان استغفار برای آنان را سحر شب جمعه قرار داد و نقل نموده که زیاده از بیست سال در هر شب جمعه هنگام سحر فرزندان را امر می کرد تا در پشت او صف می کشیدند و او دعا و استغفار برایشان می کرد و آنها آمین می گفتند تا پس از بیست سال توبه ایشان پذیرفته شد»^۱.

فقره دوم: نورانیت دل

و نَوْرٌ فِيهِ قَلْبِي بَضِيَاءٌ اَنْوَارِهِ:

و دلم را به روشنی انوارت منور گردان.

منظور از این نور همان نور هدایت است که بر قلب انسان تابیده می شود و او را از ظلمت های جهل و نادانی و دوری از خداوند نجات می بخشد و به مسیر سعادت می کشاند....

خداوند عزوجل می فرماید:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۲

خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند که خارج می کند ایشان را از تاریکی های جهالت [و وارد می کند] به سوی نور و هدایت.

نورانیت قلب با نماز شب

خواندن نماز شب و نماز یومیه قلب را صفا و جلا داده و نوری معنوی به آن می بخشد و چهره را زیبا و نورانی می کند.

۱. ر.ک: یوسف: ۹۸ و ۹۹.

۱. بقره: ۲۵۷.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَنَاجَاهُ أَثْبَتَ اللَّهُ النُّورَ فِي قَلْبِهِ»^۱

هنگامی که بنده‌ای در نیمه شب تاریک خلوت کرده و با خداوند مناجات می‌کند، خدا قلب او را نورانی خواهد ساخت.

جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت در خطبه‌ای پس از سفارش اکید به نمازهای واجب روزانه و اثر مداومت بر آن در پاک‌شدن انسان از گناهان فرمود:

«ای مردم، چنین نیست که دست و پای شما آزاد باشد. هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه ریسمانی چند بر اعضای او گره خورده و محکم بسته است و آزاد نیست [هر علاقه‌ای که انسان به غیر خدا پیدا می‌کند، گره‌ای است که بر خویشتن خویش می‌زند] و حزام [تنگ اسب است]. هر شب در ثلث آخر شب فرشته‌ای به بالین انسان می‌آید و می‌گوید: برخیز به یاد خدا باش که وقت نماز شب است و صبح نزدیک است؛ پس اگر از جای خود حرکت کرده برخیزد و خدا را یاد کند، یک گره از گره‌ها باز می‌شود و اگر به پا خیزد و وضو بگیرد، به نماز بایستد همه گره‌ها گشوده می‌شود تا اینکه با چشمی شاد و روشن پای به عرصه صبح می‌نهد»^۲.

حضرت عیسیٰ علیہ السلام می‌فرماید:

«طُوبَى لِلَّذِينَ يَتَهَجَّدُونَ مِنَ اللَّيْلِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ يَرِثُونَ النُّورَ الدَّائِمَ»^۳

خوشا به حال کسانی که شب را بیدار می‌مانند. اینانند که نور دائم را از آن رو که در تاریکی شب به پا خاسته‌اند به ارث می‌برند.

از امام صادق علیہ السلام روایت شده که فرمود:

«طَلَبْتُ نُورَ الْقَلْبِ فَوَجَدْتُهُ فِي التَّفَكُّرِ وَ الْبُكَاءِ وَ طَلَبْتُ الْجَوَازَ عَلَى الصَّرَاطِ فَوَجَدْتُهُ فِي الصَّدَقَةِ وَ طَلَبْتُ نُورَ الْوَجْهِ فَوَجَدْتُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ»^۴

۱. میزان الحکمه؛ ج ۵، ص ۴۱۹.

۲. نیایش‌های سحرگاه؛ مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام.

۳. میزان الحکمه؛ ج ۱۰، ص ۲۳۴.

۴. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۳۵۷.

چون نورانیت قلب را خواستم، آن را در تفکر و گریه یافتم و چون عبور از پل صراط را خواستم، آن را در پرداخت صدقه یافتم و چون نورانیت چهره را خواستم، آن را در نماز شب دیدم.

پس اولین قدم برای نورانیت قلب تفکر و پس از آن گریه از خوف خداوند متعال است.

فقره سوم: تاثیر گرفتن از ماه رمضان

وَ خُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَىٰ اتِّبَاعِ آثَارِهِ:

و تمام اعضا و جوارح را برای آثار و برکات این روز مسخر فرما. در این فقره از دعا از خداوند متعال می‌خواهیم همه اعضا ما را بر رمضان و آثار رمضان تطبیق بدهد.

این‌گونه نیست که وقتی ماه رمضان رفت، همه چیز آن برود. باید آثار ماه رمضان بماند. هر کدامان سی سال، پانزده سال، بیست سال ماه رمضان را رد کرده‌ایم، اگر کمی از آثارش هم مانده بود، ممکن بود به این نزدیک شویم که به ما هم بشارت بدهند که دیگر از رمضان خارجتان نمی‌کنیم. عده‌ای هستند که وقتی برای ضیافت می‌آیند، دیگر بیرون نمی‌روند و سال‌ها در رمضان می‌مانند. نه در ماه رمضان که ماه رمضان می‌آید و می‌رود.

از خداوند می‌خواهیم تمام اعضا و جوارح ما را مسخر فرماید تا اینکه به انجام اعمال این روز مشغول گردیده و از آثار و برکات آن بهره‌مند گردیم.

می‌گوییم: خدایا تمامی اعضا مرا طوری قرار بده که از آثار تو پیروی کنم، طوری باشم که چشم و دست و ... همه اعضا و جوارح از آثار و برکات تو پیروی کند.

منظور از اعضای مرا مسخر گردان، چیست؟

منظور تسلیم شدن در برابر قدرت قادر متعال است؛ چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ»^۱.

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن‌کس که خود را تسلیم خدا کند و نیکو کار باشد و مفهوم این خواسته این می‌شود که در انجام تکالیف و وظایف و فرایض و واجبات باید به قدرت خداوند متعال توکل کنیم و از قدرت او بخواهیم که اعضا و جوارح ما را در کار اطاعت و عبادت و پیروی از دستورات و فرامین خود کمک کند و نیروی اعضای ما را در اجرای دستورات خود وادارد و آنی ما را به خود ما وانگذارد و

ما را به نیکوترین ثواب‌ها در این روز موفق بدارد؛ زیرا خداوند متعال عالم به تمام امور است و از هر چیز نهان و آشکار باخبر است.

اعضاء و جوارح در تسخیر خدای متعال

نفس آدمی دارای قوای ظاهری است که نفس در اعمال خیر و یا اعمال شر از آن استفاده می‌کند و این اعضاء و جوارح به عملکرد خود، مسئولند و مورد سؤال واقع می‌شوند. در قرآن می‌خوانیم:

«إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۱

و این اعضاء و جوارح به عملکرد خویش شهادت خواهند داد:

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۲

امروز است که بر دهان آنها مهر خاموشی می‌نهمیم و دست‌هایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آنچه کرده‌اند گواهی دهد.

پس اگر این اعضاء و جوارح در تسخیر خدای متعال قرار گیرند، مطیع او خواهند شد و اگر در اختیار نفس اماره قرار داده شوند و شیطان بر آنها مسلط گردد، آنها به معصیت و گناه مبادرت می‌ورزند. برای توضیح این مطلب به گوشه‌ای از وظایف اعضاء و جوارح اشاره می‌کنیم.

گوش

گوش عضوی است که شنیدن به وسیله آن صورت گرفته و وسیله‌ای برای اجابت کردن است و اگر آنچه را که باید بشنود، بشنود و اجابت کند، به انسان حیات و زندگی می‌بخشد. قرآن کریم شنندگان اجابت‌کننده حق را در مقابل مردگان کوردل قرار داده و می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۳

در رساله حقوق از امام سجاد علیه السلام، حق گوش چنین بیان شده:

«وَحَقُّ السَّمْعِ تَنْزِيهُهُ عَنِ سَمَاعِ الْغَيْبَةِ وَمَا لَا يَحِلُّ سَمَاعُهُ»

۱. اسراء: ۳۶.

۲. یس: ۶۵.

۳. انعام: ۳۶.

حق گوش این است که آن را شنیدن غیبت و آنچه شنیدنش حلال نیست، پاک و منزه بداری.

همچنین در دعای فرج منسوب به امام زمان O می‌خوانیم:

«وَأَسْأِدُ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ»^۱

خدایا گوش‌های ما را از شنیدن لغو و غیبت، محافظت فرما.

زیرا گوش‌هایی که سخن لغو و حرام را بشنود و با آن انس گیرد، دیگر کلام حق در آن اثر نمی‌کند و یکی از مصادیق لغو که از محرّمات الهی است، غناء و موسیقی حرام است که در آیات ۶ و ۷ سوره لقمان بر حرمت آن و عذاب شدید الهی نسبت به آن تصریح شده و به فرموده امام صادق علیه السلام به شنونده غناء آتش جهنم وعده داده شده است:

«الْغِنَاءُ مِمَّا أَوْعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ»^۲

چشم

یکی دیگر از لشکریان ظاهری نفس چشم است که از حساسیت بالایی برخوردار بوده و مراقبت شدیدی را می‌طلبد. از جمله خصوصیات منفی چشم، ناسپاسی و خیانت‌کاری است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد چشم می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنَ الْجَوَارِحِ أَقْلُ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تَغْطُوهَا سُؤْلَهَا»^۳

چشم ناسپاس‌ترین عضو بدن است؛ پس به درخواست‌های آن جواب مثبت ندهید.

همچنین امام صادق علیه السلام در مناجات‌الشاکین می‌فرماید:

«إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو عَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً وَإِلَى مَا يَسِرُّهَا طَامِحَةً»^۴

خدایا از چشمانم به تو شکایت می‌کنم از اینکه از خوف تو اشک نمی‌ریزند و به آنچه خوش دارند نظر می‌کنند.

۱. مفاتیح الجنان؛ دعای فرج.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۷، ص ۳۰۵.

۳. شرح غرر الحکم؛ ج ۵، ص ۸۷.

۴. مفاتیح الجنان؛ مناجات‌ خمسہ عشر، مناجات دوم.

چشم یا آلوده و خیانت‌پیشه است و یا پاک و حقیقت‌بین و بر همین اساس در عالم آخرت نیز سرنوشتی متفاوت خواهد داشت. چشم آلوده به معصیت و گناه که در عالم دنیا از یاد خدا غافل شود، در قیامت کور محشور خواهد شد و به عذاب الهی دچار می‌گردد:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»^۱

و اگر چشم بر دنیا و لذت‌های حرام بسته شود، لذت‌های اخروی به او عنایت خواهد شد؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

«أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَزَوَّاجُكُمْ تَحْبِرُونَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ»^۲

شما با همسرانتان در بهشت جاوید وارد شوید و بر آن مؤمنان، کاسه‌های زرین و کوزه‌های بلورین مملو از انواع طعام لذیذ و شراب طهور دور زنند و در آنجا هر چه نفوس را بر آن میل و اشتهاست و چشم‌ها را شوق و لذت مهیا باشد و شما مؤمنان در آن بهشت جاویدان متنعم خواهید بود.^۳

زبان

یکی دیگر از لشکریان نفس، زبان است. زبان کلید هر خیری است و وسیله‌ای است برای اقرار ایمان. زبان خصلت‌های برجسته و شایسته‌ای مانند داوری، شفاعت، وعظ، دلربایی و ستایشگری را داراست و شخصیت انسان‌ها به آن بستگی دارد؛ ولی در عین حال اگر از آن مراقبت نشود، گناهان و زشتی‌های عدیده‌ای از آن سر خواهد زد.

روزه و حفاظت از اعضاء و جوارح

امام زین‌العابدین می‌فرماید:

«وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنِ مَعَاصِيكَ وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ، حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ وَ لَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ وَ حَتَّى لَا تَعْبَى بَطُونَنَا إِلَّا مَا أَحَلَّلْتَ، وَ لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ»^۴

۱. طه: ۱۲۴.

۲. زخرف: ۷۱.

۳. ضیافه‌النور.

۴. صحیفه سجاده؛ دعا وقت فرارسیدن ماه رمضان.

خدایا ما را به روزه داشتن آن، با حفظ جوارح از گناهان و به کاربردن آنها در آنچه که تو را خشنود می‌نماید، یاری ده تا با گوشمان به گفتار لغو گوش نکنیم و با چشمانمان به تماشای لهو نشتابیم و دست‌هایمان را به حرامی دراز نکنیم و به سوی ممنوع تو گام برداریم و شکم‌هایمان جز به حلال پر نشود و زبانمان به غیر آنچه گفته‌ای گویا نگردد.

فقره چهارم: نور خدا

بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ:

به حق نور خود، ای روشنی‌بخش دل‌های عارفان.

ای خدایی که به نور خودت قلب عارفین را نورانی کرده‌ای، به نور خودت قسم این حاجات ما را برآورده ساز.

خداوند ذات اقدس خویش را در قرآن کریم «نور» معرفی می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^۱ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

و در آیه‌ای دیگر از قرآن می‌فرماید:

«...قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»^۲ از طرف خدا نور و کتابی آشکار برای

شما آمده است.

اینکه ماهیت این نور چیست و آیا واقعا نوری در کار است یا این تعبیر یک تعبیر تشبیهی و تمثیلی است، بحث علمی، دقیق و طولانی می‌خواهد که از نوشته ما به دور است؛ اما هر کدام از ما روشنائی دل و قلب را وجدان کرده‌ایم و با انجام اعمال عبادی، تلاوت قرآن، دعا و گریه و انجام عبادت و اطاعت حضرت حق، حالت سبک‌بالی و سبک‌باری و نورانی شدن دل و جان خویش را احساس کرده‌ایم.

آنچه در دعای امروز می‌خواهیم نورانی شدن دل به واسطه انوار نورانی ماه مبارک رمضان است. البته مصادیق نور و نورانی شدن در روایات زیادی بیان شده است.

چه کنیم دل‌هایمان نورانی شود؟

نورانیت قلب در اثر دوری از گناهان و انجام واجبات الهی صورت می‌گیرد. یاد خدا، زنگار دل‌ها را می‌شوید و آن را صیقل می‌دهد و نورانی می‌کند. بزرگان و علما نیز بر این اساس و تهذیب نفس چنان نورانیتی در قلب آنها ایجاد می‌شود که با قلب خود حقایق را می‌بینند.

۱. نور: ۳۵.

۲. مائده: ۱۵.

قلب در قرآن

«قلب» در لغت به معنای برگرداندن و وارونه‌کردن چیزی از سویی و از رویی به رویی دیگر است و از آنجا که حالات روحی و روانی انسان پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است، به بُعد روحی و غیرمادی انسان اصطلاحاً «قلب» اطلاق شده است. همان‌گونه که قلب مادی در بدن مرکز اتصال رگ‌ها می‌باشد و خون از سراسر بدن به سمت قلب سرازیر می‌شود، «قلب» روحانی انسان نیز که «من» حقیقی انسان را تشکیل می‌دهد، مرکز تجمیع احساسات و عواطف و ادراکات آدمی است. «من» انسانی عبارت است از مجموعه بسیاری از اندیشه‌ها، آرزوها، ترس‌ها، امیدها، عشق‌ها و... همه اینها در حکم روزها و نهرهایی هستند که در یک مرکز به هم می‌پیوندند. خود این مرکز دریایی عمیق و ژرف است که هنوز بشر ادعا نکرده که توانسته است از اعماق این دریا آگاهی یابد.^۱

قساوت قلب در قرآن

«قساوت» در لغت به معنای سختی هر چیزی است^۲ و زمانی که به قلب اضافه می‌شود به معنای رفتن نرمی و رحمت از دل است.^۳ از همین رو است که خداوند دل‌های قسی را به سنگ تشبیه کرده است و می‌فرماید:

«ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً»^۴ دل‌های شما مانند سنگ‌ها سخت و یا سخت‌تر از آن گردید.

وقتی قساوت قلب بر دل انسان عارض می‌شود در آن حالت حق را نمی‌پذیرد و در برابر آن خاشع نمی‌شود و تسلیم آن نمی‌گردد و خشوع در برابر حق که حقیقت ایمان است، در آن یافت نمی‌شود و از همین رو به دل‌هایی که در برابر نور حق و هدایت انعطافی از خود نشان نمی‌دهند و نرم و تسلیم نمی‌گردند و نور هدایت در آنان نفوذ نمی‌کند، قلب‌های قاسیه یا قساوت‌مند گفته می‌شود.^۵

قساوت قلب یکی از بیماری‌های روحی و معنوی است و از گناهان قلبی است که بسیاری از افراد با وجود ابتلا به این بیماری مهلک روحی، از آن غافل هستند و اگر درمان نشود، می‌تواند منشأ بسیاری از جنایات و کارهای خلاف اخلاق گردد. جنایاتی

۱. محمد تقی مصباح یزدی؛ اخلاق در قرآن؛ ص ۲۰۲ - ۲۰۳.

۲. فیروز آبادی؛ قاموس المحيط؛ ج ۱۱، ص ۱۶۸.

۳. همان.

۴. بقره: ۷۴.

۵. تفسیر نمونه؛ ج ۱۹، ص ۴۲۵.

که امروزه ما در نقاط مختلف جهان از سوی برخی سرمداران زر و زور شاهد هستیم و کشته شدن کودکان و انسان‌های بی‌گناه در کشورهای مختلف توسط جنایکاران جهانی تا حد زیادی ناشی از قساوت قلبی است که بر دل‌های عاملین این جنایت سایه افکنده است. در این حالت، اندرز و انذار در آن اثری نمی‌کند و نیز مناظر رقت‌آور مانند آه مظلوم و ناله یتیمان و بی‌درمانی دردمندان و پریشانی تهیدستان هیچ اثری در او نمی‌گذارد و ترحمی نمی‌کند و آن را نادیده و ناشنیده گرفته و به مانند حیوانی از آنها می‌گذرد و او را متأثر نمی‌کند.^۱

از این رو ضروری است تا هرچه بیشتر با این بیماری روحی آشنا شویم و با رجوع به منابع دینی و مشخصاً قرآن کریم، با عوامل آن آشنا شده و در صورت وجود آنها در درون خود، در صدد درمان آن بربیاییم.

درمان قساوت قلب از نگاه قرآن

معروف است که بهترین درمان، پیشگیری است. اگر این مطلب را بپذیریم، می‌توان گفت که قبل از دچار شدن به این بلیه روحی لازم است تا هر فرد از قلب خود مراقبت کند و با توجه به عوامل ایجاد قساوت قلب از بروز آنها جلوگیری کند. به این منظور باید در مقابل سخن ایستادگی نکند، عهد و پیمان خود با خدا و مردم را نشکند، آیات الهی را انکار نکند، خود را اسیر آرزوهای طول و دراز و دست‌نیافتنی نسازد و بالأخره از کارهای زشت و ناپسند فاصله گرفته و با انجام معاصی، قلب خود را در معرض دچار شدن به قساوت قرار ندهد؛ اما اگر خدای ناکرده انسان زمانی دچار قساوت قلب شد، باید به سرعت در پی درمان آن برود و راه جولان شیطان را ببندد. از آیات قرآن کریم و رهنمودها و سفارش‌های اهل بیت Δ می‌توان برداشت کرد که یاد و ذکر الهی بهترین داروی التیام‌بخش این مرض روحی است. بازگشت به حریم پروردگار و عادات دادن قلب و جان به یاد و ذکر خدا، دل غافل و منجمد شده را صفایی دوباره می‌بخشد و با شکافتن آن این فرصت مجدد را فراهم می‌سازد تا چشمه‌های اشک از خوف مقام ربوبی از آن خارج شود. در این میان فریضه نماز که بالاترین ذکر و یاد الهی است، می‌تواند کمک شایانی برای بیرون رفتن از این حالت سوء باشد.

همان‌گونه که خداوند می‌فرماید:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲

۱. فیروز آبادی؛ قاموس المحيط؛ ج ۱۱، ص ۱۶۸.

۲. طه: ۱۴.

مداومت بر نمازهای پنج‌گانه و ادای آن با حالت توجّه و خشوع باعث می‌شود تا هویت انسانی و آسمانی انسان دوباره احیاء شود که ظرفیت پذیرش حق و تمکین در مقابل دستورات و امور الهی در انسان افزایش یابد و این امکان فراهم گردد که انسان در زمرة پیروان راستن مکتب وحی و انبیاء الهی قرار گیرد. نتیجه این تبعیت نیز جلب نظر الهی و رحمت و رأفتی است که خداوند در دل انسان ایجاد می‌کند و به قلوب منجمد طراوت تازه‌ای می‌بخشد. همان‌گونه که ذات اقدس الهی با بشارت به کسانی که از پیامبر و فرستاده او تبعیت و فرمانبرداری می‌کنند، می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً»^۱ و در قلوب کسانی از او تبعیت کردند، رأفت و رحمت را قرار دادیم.

بر این اساس مواظبت و دستورات الهی همان داروی شفابخشی هستند که جان‌های مؤمنین را از لوث پلیدی‌ها پاک می‌کنند و از سفت و سخت‌شدن آن جلوگیری می‌کنند:^۲

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۳

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»^۴.

ائمه نور خدا و منور قلوب مؤمنین!

راوی می‌گوید از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه از قرآن:
 «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۵؛
 پرسیدم، امام علیه السلام فرمودند:

«يَا أَبَاخَالِدٍ النُّورُ وَاللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَ هُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ يَا أَبَاخَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنْ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَ هُمْ

۱. حدید: ۲۷.

۲. محمد رضا مهدوی کنی؛ بیست گفتار در اخلاق عملی.

۳. یونس: ۵۷.

۴. زمر: ۲۳.

۵. التغابن: ۸.

وَاللّٰهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَحْجُبُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلَمُ قُلُوبُهُمْ وَاللّٰهُ يَا اَبَاخَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدًا وَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللّٰهُ قَلْبَهُ وَلَا يُطَهِّرُ اللّٰهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سَلِيمًا لَنَا فَاِذَا كَانَ سَلِيمًا لَنَا سَلَّمَ اللّٰهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَآمَنَهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْاَكْبَرِ^۱

ای اباخالد! به خدا قسم نور ائمه از آل محمد علیهم السلام هستند تا روز قیامت! والله اینان نور خدایی هستند که نازل کرده! والله اینان نور خدا در آسمانها و در زمین هستند. والله ای اباخالد! هرآینه نور امام در قلوب مؤمنین منورتر از خورشید نورانی در روز است! والله اینان منور می کنند قلوب مؤمنین را و خداوند عزوجل از هر که بخواهد این نور را محجوب می سازد [منخفی می نماید]؛ پس قلوب آنها تاریکی می گیرد.

به خدا قسم اباخالد هیچ بنده ای ما را دوست نمی دارد؛ مگر اینکه خداوند قلبش را پاک و مطهر می نماید و قلب بنده ای مطهر نمی شود مگر اینکه تسلیم ما می گردد و برای ما سلم [یک رنگ و خالصانه همراه ما] باشد. پس چون با ما سازش کند، خداوند او را از سختی حساب سالم و از هراس روز قیامت اکبر ایمن می دارد.

عارف کیست؟

منظور از عارف کسی نیست که از عرفان دم می زند و حرف از وادی عشق می زند و خود آراسته به آداب اهل معرفت نیست.

در مصباح الشریعه در تعریف عارف می فرماید:

«الْعَارِفُ شَخْصُهُ مَعَ الْخَلْقِ وَقَلْبُهُ مَعَ اللّٰهِ، وَكَوَّ سَهَى قَلْبِهِ عَنِ اللّٰهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ لَمَّاتٍ شَوْقًا اِلَيْهِ...»^۲

«آن کس که معرفت خدای تعالی نصیبش شده باشد، تنش با خلق است؛ ولی دلش با خداست. آن چنان که اگر یک چشم به هم زدن، دلش خدای را از یاد ببرد، از شوق خدا می میرد و عارف، امین امانت های الهی است و گنجینه اسرار اوست. آن نور او و دلیل رحمت اوست بر خلقتش و حامل علوم خداوندی و میزان فضل و عدل الهی است. عارف از خلق و مراد [و مقاصد و مطلوب های دنیوی] و دنیا بی نیاز است و جز خدای

۱. اصول کافی.

۲. مصباح الشریعه؛ ص ۱۹۱، باب ۹۱ فی المعرفه و بحارالانوار؛ ج ۳، ص ۱۴.

تعالی همدمی ندارد و هیچ گفتار و اشاره و نفسی ندارد؛ مگر آنکه به وسیله خدا و برای خدا و از جانب خدا و با خدا می‌باشد»^۱.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«عارف کسی است که خود را بشناسد و خود را از بردگی برهاند و از آنچه او را از کمال دور می‌سازد، پاکیزه گرداند»^۲.

۱. رساله لقاءالله؛ ص ۲۸ - ۲۹.

۲. منشور جاوید؛ ج ۴، ص ۱۸۵ - ۱۸۸.